

اطلاع رسانی سنگ بنای امنیت اجتماعی

بخش بزرگی از جرائم مانند جعل، کلاهبرداری، سرقت و اخاذی، ریشه در نا آگاهی عمومی دارد. بسیاری از افراد قربانی جرم می شوند، صرفا به این دلیل که از شیوه های نوین از تکاب جرم یا تهدیدات موجود اطلاع کافی ندارند. در این میان، آموزش و آگاه سازی عمومی می تواند نقشی تعیین کننده در کاهش آسیب های اجتماعی ایفا کند.

یکی از وظایف اصلی پلیس، علاوه بر مقابله با مجرمان، پیشگیری از وقوع جرم از طریق آموزش و اطلاع رسانی به شهروندان است. اگر مردم توصیه ها و هشدار های پلیس را جدی بگیرند و اصول ایمنی را رعایت کنند، در بسیاری از موارد می توانند خود را در برابر تهدیدات ایمن کنند و حتی با هوشیاری، از وقوع جرم جلوگیری کنند. در واقع، هر شهروند می تواند «پلیس خود» باشد.

تجربه و پژوهش ها نشان داده اند که در بسیاری از پرونده های جنایی، بی توجهی به هشدار های پلیس و نادیده گرفتن اصول پیشگیرانه، زمینه ساز بروز حادثه شده است. رعایت قوانین و آشنایی با تهدیدات رایج، راه را بر سواستفاده مجرمان می بندد و آرامش و سلامت اجتماعی را به همراه می آورد.

اطلاع رسانی به موقع از نسوی پلیس، چه از طریق رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی و چه در قالب حضور کارشناسان انتظامی در محافل عمومی، تأثیر بسزایی در کاهش جرائم دارد. این آموزش ها باید به گونه ای طراحی شوند که آگاهی شهروندان از تهدیدات و شیوه های مقابله با آنها افزایش یابد.

واقعیت این است که بدون آموزش عمومی و شناخت ریشه های جرم، نمی توان به سالم سازی فضای اجتماعی امیدوار بود. پیوندی عمیق میان آگاهی عمومی و پیشگیری از جرم وجود دارد؛ هر چه دامنه آموزش ها گسترش یابد، میزان وقوع جرم نیز کاهش خواهد یافت. اطلاع رسانی مؤثر درباره مسائل امنیتی، نقش بسزایی در تقویت نظم عمومی و ارتقای بهداشت روانی جامعه دارد. این فرایند، نه تنها به کاهش جرائم کمک می کند، بلکه به بهبود رابطه میان پلیس و مردم نیز می انجامد و اعتماد متقابل را افزایش می دهد.

در این میان، توجه به نسل جوان اهمیت ویژه ای دارد. نوجوانان و جوانان، به دلیل حساسیت سسنی و تأثیر پذیری بالا، بیش از دیگر گروه های اجتماعی نیازمند آموزش و ارتقای دانش اجتماعی اند. اگر به آنان پیاموزیم چگونه، روابط سالم اجتماعی برقرار کنند و گروه های درست را برای تعامل انتخاب نمایند، بسیاری از آسیب ها در نطفه خنثی خواهد شد.

در نهایت، رشد دانش اجتماعی از مسیر اطلاع رسانی هدفمند و آموزش های عمومی عبور می کند؛ راهی مطمئن برای ساختن جامعه ای امن تر، آگاه تر و مقاوم تر در برابر آسیب ها.

*فراننده انتظامی خمینی شهر اصفهان



شهادت ۲ مرزبان در مرزبانه

دو مرزبان در جریان در گیری مسلحانه با گروهک های ترور یستی در مرزبانه به شهادت رسیدند.

به گزارش «جوان»، سردار فرج رستمی، فرمانده مرزبانی استان کردستان گفت: شامگاه سه شنبه مرزبانان هنگ مرزی هنگام انجام مأموریت در نقطه صفر مرز با گروهک تروریستی معاند و ضدانقلاب درگیری شدند. در جریان این درگیری مسلحانه دو نفر از مرزبانان به نام های سرهنگ دوم «سجاد ادیب» و استوار یکم «علی بنای» به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.



قاتل همسرکش

پس از ۵ سال دستگیر شد

فرمانده انتظامی استان سمنان از بازداشت مردی خبر داد که پس از قتل همسرش، پنج سال متواری بود.

سردار سیدموسی حسینی گفت: پنج سال پیش زنی ۲۹ ساله در یکی از محله های شهرستان سمنان به قتل رسید. همزمان با وقوع جنایت، مأموران پلیس آگاهی وارد عمل شدند و تحقیقات برای شناسایی و بازداشت قاتل را آغاز کردند. بررسی های تخصصی نشان داد قاتل، شوهر

این زن بوده که پس از ارتکاب جنایت از محل گریخته است.

فرمانده انتظامی استان با اشاره به تلاش های پلیس در طول این سال ها گفت: کارا آگاهان با ردیابی اطلاعاتی دقیق دریافتند متهم در شرق کشور مشغول فعالیت در حوزه قاچاق سوخت بوده و در همین ارتباط به کشور پاکستان نیز رفت و آمد داشته است. سردار حسینی افزود: با همکاری پلیس آگاهی استان سمنان و یگان های انتظامی سیستان و بلوچستان، محل اختفای قاتل در یکی از شهرهای این استان شناسایی و او در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد.

متهم ۳۴ ساله پس از انتقال به سمنان در بازجویی های اولیه، انگیزه خود را از قتل همسرش «اختلافات خانوادگی» عنوان کرد. وی با دستور مقام قضای روانه زندان شد.

شکار شکارچی زنان پایتخت پس از فرار ۵ ساله

غلامرضا مسکنی

او با کلاهی مخصوص، اسلحه ای قلابی و نقاب مأمور آب

وارد خانه ها می شد؛ زن تنها را تهدید می کرد، دست و پایش را می بست و طلاها را می برد. برای پنج سال ناپدید شد تا اینکه بار دیگر با سرقت ۴ هیلاردی از خانه مادر شهید به صحنه بازگشت و راز جنایات سریالی او پس از سال ها پر ملاشد؛ مجرم سابقه دار بی رحم که پشت چهره مأمور قلابی، طمع، خشونت و تاریکی پنهان کرده بود.

تابستان پنج سال قبل بود که زن جوانی با به یگی از کلاتری های جنوب تهران گذاشت و از مردی شیطان صفت به اتهام سرقت اموال و آزار و اذیت شکایت کرد. وی گفت: محل زندگیم طبقه دوم ساختمان مسکونی در منطقه دولت آباد است. ساعتی قبل با جاروبرقی خانه ام را تمیز می کردم که صدای زنگ آپارتمان به صدا در آمد. مردی پشت در خودش را مأمور آب معرفی کرد و من هم در آپارتمان را باز کردم. مشغول جارو و در خانه هم باز بود که ناگهان سایه سنگین مردی را پشت سرم احساس کردم، وقتی برگشتم همان مردی که خودش را مأمور آب معرفی کرده بود اسلحه ای روی شقیقه ام گذاشت. او مرا تهدید کرد و دست و پایم را بست و پس از آزار و اذیت، تمامی طلاهایم را سرقت کرد. من به سختی دست و پایم را باز کردم و خودم را به اداره پلیس رساندم.

سارق ی با کلاه مخصوص

با شکایت زن جوان، تیمی از کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی برای شناسایی او راه عمل شدند.

بررسی ها نشان داد مأمور قلابی اداره آب در حالی که دستگاهی شبیه به ثبت ارقام کنشور همراه دارد با کلاه مخصوصی که چهره اش مشخص نیست وارد ساختمان شده است. در ادامه مأموران با چند شکایت دیگر هم در مناطق خانی آباد و دولت آباد مواجه شدند. متهم در تمامی سرقت های مقرون به آزار همراه با آزار و اذیت در پوشش مأمور برق، آب و گاز وارد خانه ها شده است. همچنین مشخص شد وی تمامی

گفت و گو با متهم

متهم با توقفی چند ساله، وارد فاز جدیدی از سرقت شد. او این بار با طلافروشی محلی دوست شده بود و از طریق تراکنش های سنگین خرید طلا و سکه، قربانیان ثروتمند را شناسایی می کرد.

فرزاد معتادی؟

بله، مواد مصرف می کنم.

سابقه داری؟

بله، قبلا به اتهام خرید و فروش مواد مخدر و سرقت بازداشت شده بودم.

پس چه شد که پنج سال قبل تصمیم به سرقت گرفتی؟

نوجوان بودم که پدر و مادرم از هم جدا شدند و هر کدام راه زندگی خودشان را پیش گرفتند و من ماندم و خواهرم که تازه عروس شده بود. من با خواهرم زندگی می کردم، اما شوهر خواهرم از این موضوع ناراحت بود و همیشه من و خواهرم اذیت می کرد. چند سالی با آنها بودم تا اینکه تصمیم گرفتم برای خودم مستقل زندگی کنم و خانه ای در یکی از خیابان های جنوبی شهری اجاره کردم. کار انجمنای نداشتیم و برای ادامه زندگی و ازدواج نیاز به پول داشتم که تصمیم به سرقت گرفتم.

چه شد که این شیوه به فکرت رسید؟

مردم به مأمور برق با گاز اعتماد دارند. در می زنی و خودت را معرفی می کنی، آنها هم بدون دسر در را باز می کنند و وارد می شوی. از طرفی سرقت از زنان راحت تر است، چرا که کسی

حصولات

سرویس حوادث، ۶۰، ۸۵۲۳

جرائم سریالی اش را صبح ها پس از خروج مرد خانه از محل زندگی اش مرتکب شده است.

تغییر محدوده جرم

در حالی که مأموران گشت های مداوم و فنی را برای به دام انداختن متهم آغاز کرده بودند، گزارش هایی از سرقت و آزار و اذیت زنان همراه با سرقت زیورالاشنان در مناطق شرقی تهران به پلیس آگاهی رسید. بررسی ها حاکی از آن بود متهم وقتی فهمیده مأموران در یک قدمی او قرار دارند برای فرار از دست قانون محدوده جرم خود را تغییر داده و این بار در مناطق شرق تهران جرائمش را ادامه می دهد.

تغییر سبک سرقت پس از ۵ سال سکوت

تحقیقات مأموران برای شناسایی و دستگیری سارق شیطان صفت ادامه داشت، اما متهم با تغییر مکرر محل وقوع جرم هیچ ردی از خود به جای نمی گذاشت تا اینکه ناگهان شکایت ها در خصوص وی قطع شد، فرضیه های متفاوتی پیش روی مأموران قرار گرفت؛ اولین فرضیه این بود که متهم به احتمال زیاد برای اینکه شناسایی و در دام مأموران گرفتار نشود به صورت موقت از ارتکاب جرائم خود دست برداشته است. فرضیه دوم هم این بود که متهم در حادثه ای با به واسطه بیماری به کام مرگ رفته است.

با این حال پرونده همچنان روی میز یکی از افسران زنده اداری یکم پلیس آگاهی باز بود تا اینکه پس از گذشت پنج سال گزارش یک سرقت از مادر شهیدی در یکی از خیابان های جنوب تهران به افسر پلیس آگاهی ارجاع شد. بررسی ها نشان داد مردی شبیه همان سارق متجاوز با همان کلاه مخصوص و اسلحه کلت کمری در پوشش مأمور آب وارد خانه مادر شهید شده و با تهدید اسلحه حدود ۴ میلیارد تومان طلا و زیور آلات او را سرقت کرده است. این قضیه برای افسر پرونده قوت گرفت که متهم همان سارق متجاوزی است که پس از پنج سال سکوت دوباره جرائم خود را از سر گرفته است. بدین ترتیب تحقیقات برای شناسایی متهم دوباره کلید خورد و این بار مأموران در بررسی های فنی موفق به ردیابی سارق



مسلح شدند. مأموران گام به گام همراه با ردیابی متهم پیش رفتند و در نهایت به موتورسیکلتی رسیدند که سارق از آن استفاده می کرد.

سند موتورسیکلت متعلق به مردی بود که به صورت قولنامه به فرد دیگری فروخته و پس از پنج بار خرید و فروش در اختیار متهم به نام فرزاد قرار گرفته بود با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران وی را خیلی زود شناسایی و مدتی قبل بازداشت کردند. متهم در بازجویی ها به سرقت از خانه مادر شهید با همدستی صاحب مغازه طلافروشی اعتراف کرد. وی همچنین به سرقت های سریالی مقرون به آزار هشت زن دیگر در پنج سال گذشته اقرار کرد. با اعتراف متهم، مأموران مرد طلافروش را هم بازداشت کردند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

طمعم برگشت. مادر شهید، اولین قربانی بعد از وقفه طولانی ام بود و فکر می کنم او بدترین انتخاب زندگی ام بود. چرا؟

من خیر نداشتم که مادر شهید است. وقتی او را با تهدید اسلحه از طبقه اول که کارگاه خیاطی اش بود به طبقه بالا بردم و تمامی طلاها و زیورالاشن را به زور گرفتم با دست اشاره به عکس روی طاقچه اش کرد که تازه فهمیدم عکس فرزند شهیدش است. او به من گفت «حوالات می دم به پسر شهیدم» یک لحظه دلم لرزید و پایم سست شد، اما از ش طلاها خیلی زیاد بود، برای همین بی خیال نشدم و می دانستم که به دام می افتم.

چطور مادر شهید را شناسایی کردی؟

من با یک طلافروش آشنا شدم. او مرا سوسه کرد. وقتی فهمید سارق حرفه ای هستم، پیشنهاد داد از خانه افرادی که از او طلا می خردنم سرقت کنم. قرار بود او اطلاعات تراکنش قربانیانی که از طلافروشی او طلا می خریدند را در اختیار من قرار دهد و من پس از سرقت، طلاهای سرقتی را با او نصف کنم. اولین مورد هم همین مادر شهید بود. او درآمد کارگاه خیاطی اش را هر ماه برای فرزندانش طلا می خرید و صاحب طلافروشی می دانست که مقدار زیادی طلا در خانه اش نگه می دارد.

اگر حین سرقت مرد خانه وارد می شد چکار می کردی؟

من روزشکار و بوکسور هستم، پس می توانستم از خودم دفاع کنم.

اسلحه را از کجا آوردی؟

اسلحه قلابی است، اما خیلی شبیه اسلحه واقعی است.

۱۴ یادداشت

وقتی چهره مأمور نقاب جنایت دارد



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

در دل کوچه های شهر، «مأمور بودن»

برای برخی نه شغلی شریف، که پوششی برای جنایت شده است. روایت های تلخی از زنانی وجود دارد که در خانه خود، قربانی تجاوز و سرقت شده اند؛ جنایاتی که معمولا با یک سناریوی آشنا آغاز می شوند؛ زنگ در را کسی می زند که خود را مأمور پست، برق، گاز یا شهرداری معرفی می کند. این چهره به ظاهر رسمی، اعتماد ساکنان را جلب

می کند و در سکوت، فاجعه ای عمیق رقم می زند. عمق این فجایع برای قربانیان یکسان نیست؛ برخی از ترس طرد شدن، سکوت و بقیه عمر را با وحشت سپری می کنند. گروهی طلاق می گیرند، بعضی در برابر فشار خانواده خم می شوند و حتی زنانی هستند که طاعت نمی آورند و به زندگی خود پایان می دهند. آسیب روحی برای این افراد، زخمی است که در صورت نبود مشاوره و حمایت، هیچ گاه التیام نمی یابد. یکی از جنجالی ترین پرونده های این حوزه مربوط به «پستیچی متجاوز» است؛ مردی که در سال ۱۳۹۱ با جعل هویت مأمور پست، وارد خانه دههazar در تهران شد و به آنها تجاوز کرد. با افزایش شکایات و شباهت در شرح مشخضا، پلیس متوجه ماهیت سریالی جنایت شد. نهایتا با کمک یکی از قربانیان و تصاویر دوربین های مدار بسته، این مرد شناسایی و بازداشت شد. او به ۴۰ مورد تجاوز اعتراف کرد و در سال ۱۳۹۷ اعدام شد، اما این تنها نوک کوه یخ است و موارد مشابه، بارها تکرار شده اند.

در حالی که بسیاری از این جنایات قابل پیشگیری اند، همچنان مدل قدیمی اعزام مأمور به خانه ها پابرجاست. در دنیای امروز، می توان با فناوری های ساده ای مثل قرائت هوشمند کنتورها، ارسال دیجیتال قبوض یا حتی احراز هویت دیجیتال، مأموران، از بروز بسیاری از این فجایع جلوگیری کرد. نصب Code QR بر لباس و کارت شناسایی مأموران رسمی، ایجاد سامانه های قابل استعلام عمومی و فرهنگ سازی گسترده در جامعه می تواند دیوار اعتماد تگر کورانه را فرو بریزد.

اما پیشگیری تنها وابسته به ابزار نیست. ما نیازمند یک ساختار چندلایه به هستیم؛ نظارت دقیق بر مأموران اعزامی، آموزش عمومی برای شناسایی چهره های قلابی و مهم تر از همه، وضع مجازات سنگین برای کسانی که با پوشش رسمی، مرتکب جنایت می شوند. در عصری که با چند کلیک می توان یک خانه را کنترل کرد، هیچ پنهانی برای تردهای غیر ضروری درب منازل وجود ندارد. اگر سازمان های خدمات رسان خود را به روز نکنند، نه تنها از کار آمدی می افتند، بلکه ناخواسته به ابزار جنایت برای مجرمان تبدیل می شوند. هر زنگ دری که به جنایت ختم می شود، یادآور آن است که ما در مسیر ایمن سازی جامعه، هنوز دیر می رسیم.

هشدار پلیس در باره خطر های

دستفروشی در جاده ها

رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی استان اصفهان با تأکید بر خطر های ناشی از دستفروشی در حاشیه جاده ها، خواستار در نظر گرفتن تدابیر مؤثر برای کاهش خطرات ناشی از این پدیده شد.

سرهنگ علی مولوی در گفت و گو با «جوان» با تأکید بر اینکه حضور دستفروشان در حاشیه جاده ها می تواند جالش های جدی برای ایمنی ترافیک به همراه داشته باشد، گفت: این پدیده معمولا سبب ایجاد موانع در مسیر حرکت خودروها و عابران پیاده می شود و می تواند به افزایش خطر تصادفات منجر شود.

وی ادامه داد: توجه رانندگان به دستفروشان می تواند باعث حواس پرتی و غفلت از وضعیت جاده و سایر خطرات موجود در مسیر شود و این حواس پرتی، به ویژه در شرایط ترافیکی می تواند مشکلات جدی را ایجاد کند که نیازمند توجه بیشتری از سوی رانندگان است. رئیس پلیس راه استان همچنین به خطرات متوجه خود دستفروشان اشاره کرد و گفت: در صورت فعالیت در نزدیکی جاده ها توسط این افراد به ویژه کودکان و نوجوانان ممکن است وسایل نقلیه با آنها برخورد کنند. از این رو، بررسی دقیق شرایط فعالیت دستفروشان و ارائه راهکارهای ایمنی ضروری است. این سامه انتظامی تصریح کرد: یکی از راهکارهای عملی برای بهبود ایمنی در این رابطه، ایجاد مکان های مشخص و ایمن برای دستفروشان است تا این افراد بتوانند بدون ایجاد موانع برای ترافیک به کار خود ادامه دهند.

سناریوی دروغین آدم ربایی

برای مهاجرت لورفت

دختر و پسر جوانی که با طراحی یک آدم ربایی ساختگی قصد داشتند ۴۰۰ میلیون تومان از خانواده دختر اخاذی کرده از کشور خارج شوند، دستگیر شدند.

اوایل تیرماه امسال، مردی سالخورده با مراجعه به یکی از کلاتری های تهران، از ناپدید شدن دختر ۲۳ ساله اش خبر داد. وی در جریان شکایت خود به مأموران گفت: «بدنی است متوجه رابطه دخترم با پسر جوانی شدم که سوابق مجرمانه دارد. با این ازدواج مخالف کردم تا اینکه امروز دخترم به پناه رفتن به دانشگاه از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. هر چه با تلفن همراهش تماس می گیریم، خاموش است و احتمال می دهم برایش اتفاق ناگواری افتاده باشد که در خواست کمک دارم.»

چند روز پس از این ماجرا، تماسی مشکوک با تلفن همراه پدر دختر صورت گرفت. مردی ناشناس به خانواده اعلام کرد که دخترشان را بروده و برای آزادی او ۴۰۰ میلیون تومان درخواست کرد. این فرد تهدید کرده بود که در صورت اطلاع رسانی به پلیس، جان دختر در خطر خواهد بود. بعد از مطر شدن این موضوع، تیم جنایی پلیس وارد عمل شد. بررسی های فنی و ردیابی های پلیس نشان داد که ماجرا باید در جریان یک آدم ربایی ساختگی رقم خورده باشد. تحقیقات تخصصی حاکی از آن بود که دختر جوان و پسر مورد نظر، با طراحی سناریویی ساختگی قصد داشتند از شناسایی و خیلی زود آنها را بازداشت کنند. دو کشور های حوزه خلیج فارس هزینه تهیه کنند.

با این سرنخ مهم، مأموران پلیس با اقدامات اطلاعاتی موفق شدند مخفیگاه دهپهمان را شناسایی و خیلی زود آنها را بازداشت کنند. دو متهم در جریان بازجویی ها به جرمشان اعتراف کردند و گفتند برای مهاجرت به خارج از کشور و زندگی در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس تصمیم گرفته بودند. سناریوی دروغین را اجرا کنند که بازداشت شدند. بعد از آن بود که دختر جوان به خانواده اش تحویل داده شد و بررسی ها ادامه دارد.

فرار نافر جام از مرگ، شعله هایی که مادر را بلعیدند



هشدار تکراری؛ واقعیتهی تلخ

سیدجلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران در تشریح جزئیات این حادثه گفت: «هنگام حریق، پناه بردن به پشت بام تنها زمانی صحیح است که مسیر امن و در باز باشد. در غیر این صورت، بهتر است در واحد خود بمانید، درها را ببندید و خود را به فضای بازی مثل بالکن یا پنجره برسانید.»

او تأکید کرد: «در این حادثه، کسی که در واحد کانون آتش باقی مانده بود نجات یافت، اما فردی که برای فرار تلاش کرد به دلیل بسته بودن مسیر و دودگر فتگی شدید، جان خود را از دست داد.»



از راه پله ها خود را به پشت بام رسانند و از دود و آتش فرار کنند، اما در واحدی که کانون آتش بود، دود مهلت فرار نداد.

تقلا برای نجات، نجاتی که نرسید

کودک به سرعت به بیرون از ساختمان منتقل و به دست تیم اورژانس سپرده شد. مادر نیز پس از باز شدن در پشت بام به آنجا منتقل شد، اما برای او دیر شده بود. عملیات احیای اورژانس بی نتیجه ماند و زن جوان قربانی شعله ها شد.

در واحدی که کانون آتش بود، زنی حدوداً ۵۰، ۶۰ ساله نیز گرفتار شده بود. آتش نشانیان ابتدا او را به بالکن هدایت کردند و پس از مهار کامل حریق، وی را از ساختمان خارج کردند. خوشبختانه او زنده ماند و به همراه کودک و زن دیگر به مراکز درمانی منتقل شد.

پایان تلخ

آن شب، خیابان وحدت اسلامی با صدای آژیر و هجوم نورهای قرمز و آبی خودروهای امدادی روشن بود. ساختمانی سوخته، واحدی تخریب شده، ساکنانی وحشت زده و مادری که جانش را در تلاشی بی نتیجه برای نجات فرزندش از دست داده بود. فراری که اگر تنها به نظر می رسید این مادر و فرزند در آخرین لحظات فرار تلاش کردند